

۱۳۵۲۴۸۲
۲۴۱۰۶

مدنی ۳

حقوق قراردادها

جلد اول

همراه با حقوق و تعهدات قراردادی مهندسان

نویسندگان:

دکتر مهرباب داراب پور

مهندس محمدرضا داراب پور

دانشگاه شهید بهشتی

انتشارات مجل

سرشناسه	داراب پور، مهرباب
عنوان قراردادی	ایران. قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	مدنی: ۳: حقوق قراردادها.../ نویسندگان: مهرباب داراب پور، محمدرضا داراب پور
مشخصات نشر	تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	ج:
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۳۴۷-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیپا
موضوع	قراردادها - ایران
موضوع	تعهدات (حقوق) - ایران
موضوع	عقود و ایقاعات (فقه) - ایران
موضوع	حقوق مدنی - ایران
شناسه افزوده	داراب پور، محمدرضا
رده بندی کنگره	۳۴۶/۵۵۰۲: ۱۳۹۴م ۸۵۸/۵۱۷ KMHA
رده بندی دیویی	۳۴۶/۵۵۰۲
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۵۴۳۸۰



عنوان کتاب: مدنی: ۳: حقوق قراردادها / جلد اول
نویسندگان: دکتر مهرباب داراب پور، مهندس محمدرضا داراب پور
ناشر: انتشارات جنگل، جاودانه
ناظر فنی: امین لشکری
ویراستار: دکتر فاطمه (نیلوفر) مرادی
نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۴
قطع و تیراژ: وزیری، ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال با جلد نفیس
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۶-۳۴۷-۸

[http:// www.junglepub.org](http://www.junglepub.org)

[email:// Info@junglepub.org](mailto:Info@junglepub.org)

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۸۶۱۱۵-۹-۶۶۴۸۲۸۳۰

۰۳۱-۳۳۲۰۵۰۶۷-۳۳۲۰۳۸۰۰-۹

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است»

سخن‌ناشر

هر چند حقوق‌دانان نیازمند به شناخت کلیاتی از علوم دیگر هستند، لیکن مهندسان و مدیران، نیاز بیشتری به آشنایی با حق و تکلیف‌های خود دارند که بر همه روابط آن‌ها سایه افکنده است. مسلماً، هر متخصصی که به باید و نبایدهای خود آشنا باشد، زندگی زیباتر و آرام‌تر و آرامش‌درونی و اطمینان قلبی بیشتری خواهد داشت. شناخت حقوق قراردادهای برای صاحبان حرفه‌ها، از جمله مهندسان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نویسندگان کتاب حاضر، سعی کرده‌اند که حقوق قراردادهای را به زبان ساده بیان کنند و با مثال‌هایی در صنعت ساخت و ساز، آن را قابل فهم‌تر نمایند.

از امتیازات ویژه‌ی این کتاب، همانند جلد دوم، چکیده‌های پایان هر قسمت است که به زبان ساده‌تر، مسائل حقوقی را به خواننده انتقال می‌دهد. واژه نامه و نمودارهای پایان کتاب، نیز فهم مسائل و ارتباط آن‌ها با یکدیگر را آسان‌تر می‌سازد.

این کتاب به قلم استاد توانای فقه، حقوق خصوصی و حقوق تجارت بین‌الملل (دکتر مهرباب داراب‌پور) و مهندس مجرب و کاردان عمران و مدیریت پروژه (مهندس محمدرضا داراب‌پور) که دانشجوی دکترای مهندسی عمران - مدیریت ساخت است، برای برآوردن نیازهای جامعه‌ی مهندسی در امور قراردادهای تألیف شده است تا نه تنها برای حقوق‌دانان مفید باشد، بلکه مهندسان نیز بتوانند از آن بهره‌ی وافر ببرند. آن‌ها با انتشار مجلدات مختلف این کتاب، در صدد ایجاد یک میان‌رشته‌ی علمی هستند تا مهندسان بتوانند در دوره‌ی کارشناسی ارشد، با حقوق و تعهدات قانونی و مسائل مورد نیاز، آشنایی تخصصی بیشتری پیدا کنند.

امید است به زودی جلد سوم کتاب، در مورد قراردادهای ویژه‌ی مهندسی انتشار یابد، تا دین خود را به جامعه‌ی حقوقی - مهندسی به نحو احسن ادا کرده باشیم.

فهرست کلی عناوین

- چکیده: هفت خان تعهدات + یک ۱
سر آغاز ۹

بخش اول: حقوق قراردادی و نحوه‌ی ایجاد آن (انعقاد قرارداد)

- فصل اول: ماهیت قراردادها و انواع آن ۱۷
فصل دوم: شرایط اساسی صحت قراردادها ۹۱
فصل سوم: شروط مرتبط با قراردادها و آثار آنها ۱۳۱
فصل چهارم: آثار قراردادهای تشکیل شده بین طرفین ۱۶۰
فصل پنجم: نحوه‌ی عملی انعقاد و شکل ظاهری قراردادها و نمونه‌های قراردادی مدرن ۲۰۵

بخش دوم: تعهدات قراردادی و نحوه‌ی اجرای آن (آثار قراردادها)

- فصل اول: پایان تعهدات قراردادی ۲۴۱
فصل دوم: آثار نقض قرارداد ۳۲۶
فصل سوم: حل و فصل دعاوی و اختلافات ۳۴۷
نمودارها ۳۷۷
ضمیمه: عناوین برخی از قراردادهای مدرن ۴۰۳
کتاب‌نامه ۴۲۷
آیین‌نامه‌ها، رویه‌های قضایی، قوانین و کنوانسیون‌ها ۴۳۵
نمایه واژه‌های حقوقی ۴۴۵
فهرست اختصارات فارسی ۴۵۷
فهرست اختصارات انگلیسی ۴۵۹
فهرست واژگان نامأنوس برای مهندسان ۴۶۵

فهرست کسترده‌ی عناوین

- چکیده: هفت خان تعهدات + یک ۱
سر آغاز ۹

بخش اول: حقوق قراردادی و نحوه‌ی ایجاد آن (انعقاد قرارداد)

- فصل اول: ماهیت قراردادها و انواع آن ۱۷
مبحث اول: قرارداد چیست؟ ۱۹
گفتار اول: تفاوت عقود (قراردادها) و ایقاعات ۲۵
گفتار دوم: انواع ایقاعات ۲۸
گفتار سوم: چگونگی ایجاد تعهد ۳۰
چکیده‌ی نخست ۳۲
مبحث دوم: انواع قراردادها و تقسیمات قراردادی ۳۵
گفتار اول: انواع قراردادها به اعتبار ماهیت آن‌ها ۳۶
بند اول: عقد لازم و عقد جایز ۳۶
بند دوم: عقد منجز و معلق ۴۰
بند سوم: عقود تملیکی و عقود عهده‌ی ۴۵
بند چهارم: عقود فوری و عقود مستمر ۴۷
گفتار دوم: تقسیمات عقود با توجه به تشریفات و نام آن‌ها ۴۸
بند اول: عقود رضایی و عقود تشریفاتی ۴۸
بند دوم: عقود با نام و بی‌نام (عقود معین و غیر معین) ۵۱
چکیده‌ی دوم ۵۴
گفتار سوم: تقسیم قراردادها به اعتبار اهداف اقتصادی آن‌ها ۵۷
بند اول: عقود معوض و عقود غیر معوض (مجانی) ۵۷
بند دوم: عقود مبادله‌ای و عقود مشارکتی ۵۸
گفتار چهارم: انواع قراردادها به اعتبار اثر قانونی آن‌ها ۵۹
بند اول: عقود صحیح و عقود باطل ۵۹
بند دوم: عقود نافذ و غیر نافذ ۵۹

بند سوم: قراردادهای قابل ابطال و قراردادهای منفسخ.....	۶۰
گفتار پنجم: تقسیم قراردادهای به اعتبار خصوصی یا دولتی بودن.....	۶۱
بند اول: قراردادهای خصوصی یا دولتی تجاری (داخلی و بین‌المللی).....	۶۱
بند دوم: قراردادهای خصوصی یا دولتی غیر تجاری.....	۶۱
بند سوم: قراردادهای مهندسی دولتی و غیر دولتی و جایگاه آنها.....	۶۵
الف) پیمان در قراردادهای مهندسی و دولتی.....	۶۶
ب) جایگاه قراردادی پیمانکاری با دولت در تقسیمات عقود.....	۶۶
گفتار ششم: تقسیم‌بندی قراردادهای مهندسی.....	۶۸
بند اول: انواع قراردادهای مهندسی با توجه به مسئولیت‌های کاری.....	۶۹
الف) روش تک عاملی.....	۶۹
ب) روش دو عاملی (روش طراحی و ساخت).....	۷۰
پ) قراردادهای طراحی و مدیریت.....	۷۱
ت) روش سه عاملی.....	۷۱
ث) روش چهار عاملی (روش مدیریت اجرا).....	۷۲
۱- مدیریت اجرا بر پایه‌ی دستمزد.....	۷۳
۲- مدیریت اجرا بر مبنای مشارکت در ریسک.....	۷۳
ج) روش طراحی، تدارکات، ساخت.....	۷۴
چ) روش ساخت- بهره‌برداری و انتقال (قراردادهای واگذاری امتیاز).....	۷۷
ح) قراردادهای مبتنی بر کارایی انرژی.....	۷۸
قراردادهای بیع متقابل.....	۷۹
معاملات تعویضی.....	۸۱
بند دوم: انواع قراردادهای مهندسی با توجه به شیوه‌های پرداخت.....	۸۱
الف) روش پرداخت به صورت مقطوع.....	۸۲
- قرارداد FPR.....	۸۳
- قرارداد FPIF.....	۸۳
ب) روش پرداخت آحادها.....	۸۴
- قرارداد UP-NE.....	۸۵
- قرارداد UP-E.....	۸۵
پ) روش‌های هزینه و دستمزد.....	۸۵
چکیده‌ی سوم.....	۸۹

فصل دوم: شرایط اساسی صحت قراردادها.....	۹۱
مبحث اول: قصد انشاء و رضا.....	۹۲
گفتار اول: شیوه‌های بیان قصد و اراده.....	۹۴
گفتار دوم: بیان قصد از طریق ایجاب و قبول.....	۹۵
گفتار سوم: قصد ظاهری و قصد واقعی.....	۹۶
گفتار چهارم: عدم وجود قصد انشاء در قراردادهای صوری.....	۹۶
گفتار پنجم: عیوب اراده و رضا.....	۹۷
بند اول: اشتباه در قرارداد.....	۹۸
بند دوم: اجبار و اکراه.....	۱۰۳
بند سوم: اضطرار.....	۱۰۵
چکیده‌ی چهارم.....	۱۰۷
مبحث دوم: اهلیت طرفین قرارداد.....	۱۰۹
الف) صغار.....	۱۱۰
اهلیت تمتع.....	۱۱۱
اهلیت استیفاء.....	۱۱۱
گفتار اول: اهلیت اشخاص حقیقی.....	۱۱۲
گفتار دوم: اهلیت اشخاص حقوقی.....	۱۱۵
بند اول: اهلیت تمتع اشخاص حقوقی.....	۱۱۶
بند دوم: اهلیت استیفاء اشخاص حقوقی.....	۱۱۷
بند سوم: اختیار و قدرت قراردادی یا قانونی.....	۱۱۸
چکیده‌ی پنجم.....	۱۲۴
مبحث سوم: موضوع معین مورد معامله.....	۱۲۶
گفتار اول: چیستی مورد معامله.....	۱۲۶
گفتار دوم: معلوم و معین بودن مورد معامله.....	۱۲۶
مبحث چهارم: مشروعیت جهت معامله.....	۱۲۸
چکیده‌ی ششم.....	۱۳۰
فصل سوم: شروط مرتبط با قراردادها و آثار آنها.....	۱۳۱
مبحث اول: مبانی، انواع و جایگاه شروط.....	۱۳۲
گفتار اول: مبانی و ماهیت شرط.....	۱۳۲
گفتار دوم: انواع شروط.....	۱۳۵

۱۳۸	گفتار سوم: جایگاه شرط ضمن عقد
۱۴۱	مبحث دوم: آثار شروط ضمن قرارداد
۱۴۲	گفتار اول: شروط باطل
۱۴۲	بند اول: شروط باطلی که مبطل و مفسد عقد نیستند
۱۴۴	بند دوم: شروط باطلی که مبطل و مفسد عقد هستند (شروط مبطل)
۱۴۴	الف) شرط خلاف مقتضای ذات عقد
۱۴۶	ب) شرط مجهولی که جهل به آن، موجب جهل به عوضین شود
۱۴۷	گفتار دوم: شروط صحیح
۱۴۸	بند اول: شرط صفت
۱۴۹	بند دوم: شرط نتیجه
۱۵۲	بند سوم: شرط فعل
۱۵۳	گفتار سوم: شرط فعل به صورت الزام به دادن ضامن یا رهن
۱۵۵	گفتار چهارم: اسقاط شرط
۱۵۶	گفتار پنجم: اثر انحلال عقد در شروط ضمن عقد
۱۵۸	چکیده‌ی هفتم
۱۶۰	فصل چهارم: آثار قراردادهای تشکیل شده بین طرفین
۱۶۰	مبحث اول: اثر قرارداد بر طرف‌های قرارداد و قائم‌مقام قانونی آن‌ها
۱۶۰	گفتار اول: اثر قرارداد بر طرفین قرارداد
۱۶۱	بند اول: اصل لزوم
۱۶۲	بند دوم: اصل نسبی بودن قراردادهای
۱۶۳	بند سوم: قابلیت استناد به قراردادهای
۱۶۳	گفتار دوم: اثر قرارداد بر قائم‌مقام‌های قانونی
۱۶۳	بند اول: متعاقدين = طرفین قرارداد
۱۶۴	بند دوم: قائم‌مقام‌های قانونی
۱۶۴	الف) قائم‌مقام عام
۱۶۵	ب) قائم‌مقام خاص
۱۶۸	چکیده‌ی هشتم
۱۷۰	مبحث دوم: اثر عقد در اجبار متعهد به ایفای عین تعهد
۱۷۰	گفتار اول: ضمانت عدم ایفای عین تعهد در حقوق اسلامی
۱۷۰	بند اول: اجبار متعهد به انجام عین تعهد تا سر حد امکان

بند دوم: آزادی متعهدله برای درخواست ایفای عین تعهد یا فسخ قرارداد.....	۱۷۰
گفتار دوم: ضمانت اجرای عدم ایفای عین تعهد در حقوق ایران.....	۱۷۲
گفتار سوم: ارزیابی توسل به ایفای عین تعهد.....	۱۷۶
چکیده‌ی نهم.....	۱۷۹
مبحث سوم: آثار قرارداد نسبت به اشخاص ثالث.....	۱۸۰
گفتار اول: مفهوم شخص ثالث و تعهد نسبت به او.....	۱۸۰
گفتار دوم: تعهد به نفع شخص ثالث.....	۱۸۳
گفتار سوم: تعهد به ضرر شخص ثالث.....	۱۸۴
بند اول: عقد فضولی.....	۱۸۵
الف) مسؤولیت تضامنی اصیل و معامل فضولی در مقابل مالک.....	۱۸۷
ب) عدم مسؤولیت تضامنی بین اصیل و معامل‌های فضولی.....	۱۸۸
بند دوم: قراردادهای جمعی.....	۱۸۹
بند سوم: قراردادهای ارفاقی.....	۱۸۹
الف) اثر قرارداد ارفاقی.....	۱۹۱
۱- نسبت به طلبکاران.....	۱۹۱
۲- نسبت به تاجر ورشکسته.....	۱۹۲
۳- نسبت به اشخاص ثالث.....	۱۹۲
ب) زوال قرارداد ارفاقی.....	۱۹۳
بند چهارم: قرارداد مالکین آپارتمان‌ها.....	۱۹۴
بند پنجم: پیمان یا قرارداد کار.....	۱۹۵
گفتار چهارم: شخص ثالث در قراردادهای تابع شرایط عمومی پیمان.....	۱۹۶
چکیده‌ی دهم.....	۲۰۳
فصل پنجم: نحوه‌ی عملی انعقاد و شکل ظاهری قراردادها و نمونه‌های قراردادی مدرن.....	۲۰۵
مبحث اول: نکات کلیدی قراردادها قبل از تشکیل قراردادها.....	۲۰۵
مبحث دوم: نکات مهم در محتوای قراردادها.....	۲۰۸
گفتار اول: مشخصات طرفین.....	۲۱۱
گفتار دوم: وضوح در تعهدات طرفین و موضوع قرارداد.....	۲۱۱
گفتار سوم: زمان و مکان انعقاد قرارداد و اجرایی شدن آن.....	۲۱۳
بند اول: تمایز زمان تشکیل قرارداد از زمان اجرایی شدن آن.....	۲۱۴
بند دوم: اهمیت زمان تشکیل قرارداد و زمان اجرای آن.....	۲۱۵

۲۱۷	گفتار چهارم: عوض و معوض قراردادی
۲۲۴	گفتار پنجم: تضامین حسن انجام کار و وجه التزام
۲۲۸	گفتار ششم: چگونگی رفع اختلافات قراردادی
۲۲۸	گفتار هفتم: آدرس طرفین
۲۲۹	گفتار هشتم: قوانین حاکم بر قرارداد
۲۳۰	مبحث سوم: نمونه‌های قراردادی مدرن
۲۳۱	گفتار اول: قراردادهای پیمانکاری
۲۳۱	گفتار دوم: قراردادهای تسهیلات مالی برای امور صنعتی
۲۳۱	گفتار سوم: قراردادهای مرتبط با امور معماری و کارشناسی و آموزشی و انتشاراتی
۲۳۲	گفتار چهارم: قراردادهای مرتبط با حمل و نقل و خدمات انبارداری
۲۳۲	گفتار پنجم: قراردادهای تبلیغاتی، رسانه‌ای، مدیریت روابط عمومی
۲۳۳	گفتار ششم: قراردادهای خرید و فروش
۲۳۳	گفتار هفتم: قراردادهای پیمانکاری پروژه‌های بزرگ
۲۳۳	گفتار هشتم: انواع قراردادهای خدماتی
۲۳۴	گفتار نهم: قراردادهای مرتبط با رایانه، اینترنت، ارتباطات
	گفتار دهم: قراردادهای مشاوره و کالت، کار، کارشناسی، حسابداری، فروش و واگذاری
۲۳۴	سهم شرکت‌ها، انواع مهندسی مشاور
۲۳۵	گفتار یازدهم: قراردادهای مرتبط با بیمه
۲۳۶	چکیده یازدهم

بخش دوم: تعهدات قراردادی و نحوه اجرای آن (آثار قراردادهای)

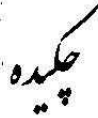
۲۴۱	فصل اول: پایان تعهدات قراردادی
۲۴۷	مبحث اول: پایان تعهدات از طریق اجرای قرارداد یا پایان اجرایی قرارداد
۲۴۷	گفتار اول: ایفاء عین تعهد یا وفای به عهد
۲۵۱	بند اول: ماهیت ایفاء عین تعهد
۲۵۱	بند دوم: ایفاء تعهدات طبیعی
۲۵۲	بند سوم: اصل عدم تبرع و عدم وجود تعهد
۲۵۲	بند چهارم: هزینه‌های ایفاء تعهد و زمان و مکان آن
۲۵۳	گفتار دوم: وفای به عهد توسط ثالث
۲۵۶	گفتار سوم: تحصیل حاصل تعهدات قراردادی و مالکیت ما فی الذمه

۲۵۸	چکیده‌ی دوازدهم
۲۶۰	مبحث دوم: پایان تعهدات قراردادی توسط طرفین یا پایان قراردادی تعهدات
۲۶۰	گفتار اول: انحلال قرارداد توسط یکی از طرفین
۲۶۰	بند اول: فسخ قراردادی
۲۶۱	الف) قواعد عمومی خیارات
۲۶۱	۱- قابلیت انتقال از طریق ارث
۲۶۲	۲- قابلیت اسقاط خیار
۲۶۴	۳- اختیار اعمال خیار
۲۶۴	۴- اثر اعمال خیار
۲۶۸	۵- ضرورت اعمال خیار در مدت متعارف و معمول
۲۶۸	الف) کلیه‌ی خیارات به جز خیار شرط
۲۶۹	ب) خیار شرط
۲۷۲	بند دوم: ابراء و اعراض
۲۷۴	چکیده‌ی سیزدهم
۲۷۷	گفتار دوم: انحلال قرارداد توسط طرفین
۲۷۷	بند اول: اقاله یا تفاسخ
۲۷۹	بند دوم: تجدیدنظر در قرارداد و تبدیل تعهد
۲۸۲	الف) تبدیل تعهد به اعتبار موضوع تعهد
۲۸۳	ب) تبدیل تعهد از طریق تبدیل منشأ تعهد
۲۸۴	پ) تبدیل تعهد به وسیله‌ی تبدیل متعهد (مدیون)
۲۸۴	ت) تبدیل تعهد از طریق تبدیل متعهدله (طلبکار)
۲۸۵	چکیده‌ی چهاردهم
۲۸۷	مبحث سوم: پایان قرارداد از طریق قانون یا انحلال قانونی قرارداد
۲۸۷	گفتار اول: فسخ‌های قانونی
۲۹۰	بند اول: خیار عیب
۲۹۲	بند دوم: خیار غبن
۲۹۳	بند سوم: خیار تبعض صفقه
۲۹۳	بند چهارم: خیار تدلیس
۲۹۴	بند پنجم: خیار تقلیس
۲۹۸	بند ششم: خیار تخلف شرط

بند هفتم: خیار رؤیت و تخلف وصف.....	۳۰۱
چکیده‌ی پانزدهم.....	۳۰۴
گفتار دوم: عدم امکان اجرای قراردادها.....	۳۰۶
بند اول: انحلال ناشی از فورس‌ماژور (قوه‌ی قاهره).....	۳۰۶
بند دوم: خیار تعدّر تسلیم موقت.....	۳۰۹
بند سوم: از بین رفتن موضوع قرارداد.....	۳۱۱
گفتار سوم: انفساخ قرارداد.....	۳۱۱
بند نخست: انفساخ قراردادی.....	۳۱۴
بند دوم: انفساخ قانونی.....	۳۱۶
گفتار چهارم: تهاتر.....	۳۱۶
بند اول: تهاتر قهری.....	۳۱۷
الف) شرایط مثبت و ضروری تهاتر قهری.....	۳۱۸
ب) موانع تهاتر.....	۳۱۸
بند دوم: تهاتر قراردادی یا تهاتر اختیاری.....	۳۲۱
بند سوم: تهاتر قضایی.....	۳۲۲
گفتار پنجم: مرور زمان.....	۳۲۳
چکیده‌ی شانزدهم.....	۳۲۴
فصل دوم: آثار نقض قرارداد.....	۳۲۶
مبحث اول: الزام به انجام عین تعهد و وفای به عهد.....	۳۲۷
گفتار اول: انواع تعهدها و تحلیل الزام در آنها.....	۳۲۷
بند اول: تعهد به تحویل اموال یا پرداخت دیون.....	۳۲۸
بند دوم: تعهد به انجام کار یا خودداری از انجام کار.....	۳۲۹
گفتار دوم: نحوه‌ی اجبار ناقض قرارداد به اجرای عین تعهد.....	۳۳۰
بند اول: اجبار مستقیم.....	۳۳۰
الف) الزام متعهد از طریق اجرای احکام ثبت.....	۳۳۱
ب) الزام متعهد به ایفاء عین تعهد از طریق مراجعه به دادگاه.....	۳۳۱
بند دوم: شیوه‌های غیر مستقیم اجبار به ایفاء تعهد.....	۳۳۲
الف) شیوه‌ی توقیف و بازداشت.....	۳۳۲
ب) تأمین خواسته.....	۳۳۲
پ) درج وجه التزام در قراردادها.....	۳۳۲

۳۳۳	ت) دخالت اجرای احکام در اجبار متعهد
۳۳۵	مبحث دوم: امکان الزام ناقض قرارداد به پرداخت خسارت
۳۳۷	گفتار اول: خسارت ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرای تعهدات غیر پولی
۳۳۷	بند اول: سپری شدن زمان اجرای قرارداد
۳۳۹	بند دوم: اثبات ورود ضرر به متعهدله
۳۳۹	بند سوم: عدم دخالت عناصر خارجی در ورود ضرر
۳۴۰	بند چهارم: قابلیت پیش‌بینی ورود ضرر
۳۴۱	گفتار دوم: خسارات تأخیر تأدیه‌ی وجه نقد
۳۴۱	بند اول: مبنای خسارت تأخیر تأدیه قبل از انقلاب
۳۴۲	بند دوم: خسارت تأخیر تأدیه بعد از انقلاب و مبنای شروع آن
۳۴۵	چکیده‌ی هفدهم
۳۴۷	فصل سوم: حل و فصل دعاوی و اختلافات
۳۴۷	مبحث اول: شناسایی و مدیریت ادعا
۳۵۱	مبحث دوم: راه‌حل‌های مختلف حل و فصل دعاوی
۳۵۲	گفتار اول: مذاکره و توافق بر روی اختلاف و سازش
۳۵۳	گفتار دوم: میانجیگری
۳۵۴	گفتار سوم: حل و فصل از طریق دادگاه
۳۵۵	گفتار چهارم: مراجعه به داوری
۳۵۷	چکیده‌ی هجدهم
۳۵۹	مبحث سوم: داوری
۳۶۱	گفتار اول: اهمیت داوری و فواید آن
۳۶۵	گفتار دوم: اثر بطلان قرارداد در شرط داوری
۳۶۸	گفتار سوم: مضرات مراجعه به داوری
۳۶۹	گفتار چهارم: انواع داوری
۳۶۹	الف) داوری موردی
۳۶۹	ب) داوری سازمانی
۳۷۱	گفتار پنجم: آیین داوری
۳۷۲	گفتار ششم: مساعدت دادگاه‌ها در روند داوری
۳۷۴	چکیده‌ی نوزدهم
۳۷۵	گفتار هفتم: مسائل متفرقه‌ی داوری

۳۷۷	نمودارها.....
۴۰۳	ضمیمه: عناوین برخی از قراردادهای مدرن.....
۴۰۳	پیوست اول: نمونه قراردادهای پیمانکاری.....
۴۰۵	پیوست دوم: قراردادهای تسهیلات مالی برای امور صنعتی.....
۴۰۷	پیوست سوم: قراردادهای مرتبط با امور معماری، کارشناسی، آموزشی و انتشاراتی.....
۴۰۹	پیوست چهارم: نمونه قراردادهای مرتبط با حمل و نقل و خدمات انبارداری.....
۴۱۰	پیوست پنجم: تبلیغاتی، رسانه‌ای، مدیریت روابط عمومی، اطلاع‌رسانی فرهنگی.....
۴۱۲	پیوست ششم: قراردادهای خرید و فروش، انرژی، نیروگاه، شارژ، آب و برق.....
۴۱۳	پیوست هفتم: قراردادهای پیمانکاری پروژه‌های بزرگ.....
۴۱۵	پیوست هشتم: انواع قراردادهای خدماتی.....
۴۱۸	پیوست نهم: قراردادهای مرتبط با رایانه، اینترنت، ارتباطات.....
	پیوست دهم: قراردادهای مشاوره، وکالت، کار، کارشناسی، حسابداری، فروش و واگذاری
۴۲۱	سهام شرکت‌ها، انواع مهندسی مشاوره.....
۴۲۳	پیوست یازدهم: قراردادهای مرتبط با بیمه.....
۴۲۷	کتاب‌نامه.....
۴۳۵	آیین‌نامه‌ها، رویه‌های قضایی، قوانین و کنوانسیون‌ها.....
۴۴۵	نمایه واژه‌های حقوقی.....
۴۵۷	فهرست اختصارات فارسی.....
۴۵۹	فهرست اختصارات انگلیسی.....
۴۶۵	فهرست واژگان نامانوس برای مهندسان.....
۴۸۵	درباره‌ی نویسندگان.....



هفت خان تعهدات + یک

دوست داشتم کتاب کوچک صد صفحه‌ای بنویسم که هر مهندسی بخواند، حقوقدان شود. جالب است، شما هم با ما برای نوشتن این صد صفحه همراه باشید تا با هم از این هفت خان تعهدات قراردادهای بگذریم و به چکیده‌ای از کل این کتاب دست یابیم!

خان اول

مهندسی از من سوال کرد که قراردادی که بسته است به ضرر وی می‌باشد. بی‌درنگ به وی گفتم: «خوب اگر قرارداد به ضرر شماست و فایده‌ای هم برایت ندارد، فسخ کن!» چند سال کار بی‌مزد و مواجب برای چه انجام دهی؟ استاد حقوقی که در کنارم بود، فرمودند: بعد از این که قراردادی را بستید (به زبان حقوقی «بعد از انشاء و انعقاد عقد»)، دیگر نمی‌توانید یک طرفه فسخ کنید، چون «قراردادهای لازم» هستند. بنا بر اصل لزوم، هرگاه قراردادی منعقد کردید، باید به آن پایبند باشید. در غیر این صورت، شما را مجبور می‌کنند که آن را اجرا کنید و اگر نشد از شما خسارت می‌گیرند. برایم بسیار جالب بود که بدانم شانه خالی کردن از زیر باری که توان برداشتن آن را نداریم، ولی نسبت به آن تعهد داده‌ایم، تا این حد سخت است.

همین مهندس باز اظهار داشت من از طرف مقابل، سند محکمی به نام وکالت آن هم وکالت بلاعزل گرفته‌ام؛ دیگر مشکلی که در کار نیست؟ بی‌محایا گفتم: نه، دست و پایش را حسابی بسته‌اید. به خصوص که وکالت را هم با شرط بلاعزل بودن محکم کرده‌اید. باز استاد نگاه عاقل‌اندر سفیهی به من انداخت و محترمانه فرمود: نه این‌گونه نیست که می‌فرمائید. او، صرف‌نظر از مورد وکالت که ممکن است محدود باشد، می‌تواند شخصاً آن کار را به دلخواه خودش انجام دهد، علاوه بر این، اگر طرف مقابل فوت کند، یا دیوانه شود یا سفیه گردد، قرارداد شما از بین می‌رود! و اگر این اتفاقات برای شما هم بیفتد باز هم قرارداد زایل می‌شود!

راست نشستیم و شانه‌ها را بالا انداختیم و عرض کردم: مگر نفرمودید «قراردادهای لازم» هستند و موقعی که منعقد شد، مانند گره محکمی بین طرفین است و هیچ کس به تنهایی حق فسخ ندارد؟ جواب آمد که آخر و کالت، «قرارداد جایز» است که به موت و جنون و سفه هر یک از طرفین خود بخود از بین می‌رود و هیچ اثری ندارد. عجیب است!

باز در جای دیگری نگران شدم که مالک به علت تصادف شدید در کُما رفته و در بیمارستان بستری بود، گفتم اگر او بمیرد، کل قراردادهای پیمانکاری نابود می‌شود که بعد از سؤال، گفتند که این‌طور نیست. چون «قراردادهای پیمانکاری لازم» هستند و برای طرفین و قائم مقام آن‌ها، از جمله وراثت، لازم‌الاجرا می‌باشند.

با این توصیف، بر خودمان لازم دیدیم که «تعهد» و «قرارداد» را بشناسیم. اقدامات و اعمال یک طرفه‌ای که حق و تکلیف را ایجاد کنند (که حقوقدانان به آن ایقاعات می‌گویند) بررسی کنیم و انواع و اقسام و آثار قراردادهای را هم به تفکیک بیان نمائیم. بحث از «عقود لازم و جایز»، «عقود منجز و معلق»، «قراردادهای تملیکی و عهده‌ای» و غیره ضروری می‌نمود. عقود معوض و مجانی را شناسیم، قراردادهای صحیح را از باطل تفکیک نمائیم و در نهایت انواع قراردادهای مهندسی را هم به رشته‌ی تحریر درآوریم که با نوشتن این فصل، کل صد صفحه‌ی کتاب پر شدیم بود و ما هنوز در میان تعاریف اولیه‌ی انواع قراردادهای مهندسی سرگردان بودیم که خان اول به پایان رسید.

ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم

هفت شهر عشق را عطار گشت

خان دوم

از خان اول که گذر کردیم، آرامش نسبی پیدا شد، ولی چه می‌دانستیم که خان دوم هم از خان اول کمتر نیست. در این خان باید پرتویی بر تاریک خانه‌ی شرایط صحت قرارداد می‌انداختیم. برای این که قرارداد صحیح باشد علاوه بر اهلیت، قصد انشاء آن‌ها و معلوم و معین بودن مورد معامله، جهت معامله هم مشروع و قانونی باشد. در این خان باید از این چهار مرحله جان سالم به در می‌بردیم که اشاره‌ی مختصری به آن‌ها خالی از لطف نیست.

الف) باید، قصد انشاء (قصد بستن قرارداد) را می‌شناختیم. شیوه‌های بیان قصد، ایجاب

و قبول (پیشنهاد معامله از یک طرف و پذیرش طرف دیگر)، قصد ظاهری و باطنی و قراردادهای صوری که قصد در آن‌ها نیست را توضیح می‌دادیم و با عیوب رضا و اشتباه در قرارداد و اجبار و اکراه و اضطرار، دست و پنجه نرم می‌کردیم و آن‌ها را دست بسته با توضیح کامل، تسلیم خوانندگان می‌نمودیم که با موفقیت انجام شد.

ب) در مرحله‌ی دوم خان دوم، باید از اهلیت و اقتدار و اختیار طرفین برای انجام معامله سخن می‌گفتیم. کسی اهلیت دارد که عاقل و بالغ و رشید و قاصد و مختار باشد و کسی اختیار و قدرت انجام معامله دارد که قانون او را منع ننموده باشد، یعنی علاوه بر اهلیت تمتع (صلاحیت بهره بردن از حق و حقوق)، اهلیت استیفاء (صلاحیت انجام نقل و انتقال و دخل و تصرف در اموال) هم داشته باشد. باور کنید گذشتن از صف کودکان قد و نیم قد، یعنی کوچک و بزرگ (که حقوقدانان به آن‌ها صغیر ممیز و غیر ممیز می‌گویند)، عبور از کنار دیوانگان دوره‌ای و دیوانگان همیشگی (که حقوقدانان به آن‌ها مجنون ادواری و مجنون اطباقی می‌گویند) کار آسانی نبود و از آن‌ها سخت‌تر، گذشتن از میان سفیهانی بود که عقل معاش نداشتند.

قدم در باتلاق اهلیت اشخاص حقوقی (مثل شرکت‌های گوناگون) نهادن، کار هر رهرو نیست. معجونی از فقه و قوانین خارجی درست کرده اند که بسیاری از مشتریان قضات و حقوقدانان را هم در کام خود فرو برده است. در شرکت‌ها، اشخاص حقیقی اهلیت امضا و انعقاد معامله را دارند که نام آن‌ها برای عموم در اداره‌ی ثبت شرکت‌ها و روزنامه‌ی رسمی اعلان شده باشد. اشخاص ثالث، مصون از تخلفات و اشتباهات شرکت و سهامداران هستند. آن‌ها در کشتی امن شخص ثالث، سیر و سیاحت می‌کنند.

وقتی این مرحله تمام شد، تازه فهمیدیم که کدام یک از معاملات صحیح، نافذ یا باطل است. ولی صرف این امر کافی نبود، باید به مرحله‌ی سوم می‌رفتیم و راه‌های طولانی، در این مسیر متلاطم را طی می‌کردیم.

پ) در مرحله سوم از این خان باید به مورد معامله پرداختیم که چندان خطرناک نبود. مورد معامله باید معلوم و معین باشد. به عبارت دیگر، نباید مردّد و مجهول باشد و الّا معامله باطل به شمار می‌آید.

ت) در مرحله‌ی چهارم خان سوم، باید از هدف، غرض و جهت معامله می‌گفتیم که لازم نیست طرفین برای یکدیگر توضیح دهند که مقصود و غرض آن‌ها از انجام معامله چیست، ولی اگر برای یکدیگر بیان کنند باید «جهت معامله» قانونی و مشروع باشد. اگر یکی می‌گفت این انگور را می‌خرم تا شرابی ناب بسازم یا این خانه را برایم بساز تا میخانه‌اش کنم، قرارداد باطل می‌شد؛ چون جهت آن، غیر قانونی بود. این که می‌گویند سکوت، طلا و کلام، نقره است، چندان هم درست نیست، چون کلام در اینجا آتش است و همه چیز را می‌سوزاند و معامله را باطل می‌کند. زمانی که خان دوم تمام شد، تازه فهمیدم که با چه اشخاصی می‌توان قرارداد منعقد نمود و انعقاد قرارداد با چه کسی صحیح و نافذ نیست، ولی صرف این امر کافی نبود در نتیجه باید به خان سوم می‌رفتیم.

خان سوم

پس از مدتی همان مهندس به من گفت محبت کن و برایم قراردادی بنویس که در آن، متضرر نشوم. از تجربه‌ای که داشتم استفاده کردم و بندی را در قرارداد وی نوشتم (حقوقدانان به این بند، «شرط» می‌گویند) تا هر وقت پیمانکار اراده کرد، حق فسخ داشته باشد. محض احتیاط، قرارداد را نزد همان استاد حقوق بردم، استاد که قرارداد را دید، نگاه تلخی به من انداخت و گفت: این حق فسخ که برای پیمانکار قرار داده‌ای دیگر چیست؟ با افتخار گفتم: قرارداد لازم را برای پیمانکار با حربه‌ای خردمندانه به قرارداد جایز تبدیل کردم! استاد لبخند ملیحی زد و فرمود: تو کلاً قرارداد را از ریشه نابود کردی! خواستی ابرویش را درست کنی نه تنها چشمش را کور کردی، بلکه تیر خلاصی هم به قلب قرارداد زدی! هر شرطی اثری دارد و این شرطی که شما گذاشته‌اید هم باطل است و هم سبب بطلان قرارداد می‌شود، چون حق فسخی که در آن «زمان نامحدود» برای اعمال فسخ وجود داشته باشد، باطل و مبطل عقد است. این شرط هم مجهول است و هم باعث جهل به عوضین می‌شود و هم «خلاف مقتضای ذات عقد» است. آنجا بود که به یقین رسیدم که قرارداد و شروط و مسائل جنبی آن، پیچیده‌تر از چیزی است که تاکنون تصور می‌کردم. با این وجود، گذر از خان سوم چندان سخت نبود، ولی هفت مرحله داشت تا با انواع و آثار و دیگر توابع شروط مرتبط با عقد آشنایی پیدا کنیم.

شرط، ممکن است قبل از انعقاد قرارداد باشد و طرفین بر اساس و مبنای آن، قرارداد را منعقد کنند. حقوقدانان به این شرط «**شرط بنایی یا شرط تبانی**» می‌گویند. امکان دارد طرفین قرارداد در ضمن عقد، شروطی را قایل شوند که به آن‌ها «**شروط ضمن عقد**» گفته می‌شود.

بعد از عقد هم می‌توان با هماهنگی طرفین بر شروطی توافق کرد، این شروط بعداً به قرارداد ضمیمه می‌شوند که به آن‌ها **شروط الحاقی** نیز می‌گویند. **شروط** در عقد ممکن است **صریح** یا **ضمنی** باشند. همه‌ی شرط‌ها، به استثناء شروطی که مخالف قانون هستند، صحیح می‌باشند. برای مثال: می‌توان شرط کرد که همه‌ی مالیات‌ها و بیمه‌ها بر عهده‌ی یک طرف قرارداد باشد. برخی از شرط‌ها هم **باطل** هستند و اثری بر عقد ندارند. **شروط نامشروع**، **نامقدور** و **بی‌فایده** از این نمونه‌اند. شروط صحیح هم انواع و اقسامی دارند که شرح اسقاط و الزام آن هم، خود دارای مراحل پیچیده‌ای است که در این‌جا وجود دارد.

خان چهارم

این خان، که خان وسطی است را نمی‌توان بدون مرشد و پیر راهنما طی کرد، چون پس از انعقاد قرارداد، بحث مشکلات اجرا و اجبار به ایفای عین تعهد پیش می‌آید.

طی این مرحله، بی‌همری حاضر مکن! طلبات است بترس از خطر گمراهی!

کسی که متعهد شده است، باید به قراردادش عمل کند. گاهی در اینجا لازم می‌شود که به یاری شخص ثالثی بپردازید و او را کمک کنید و نفعی به او برسانید. حقوقدانان به این امر «**تعهد به نفع شخص ثالث**» می‌گویند. شما حق ندارید به ضرر شخص ثالث، شرطی در قرارداد درج کنید و او را ملزم و متعهد به امری کنید. با این وجود، گاهی یک **فضول** پیدا می‌شود و کاری می‌کند کارستان، **قراردادهای جمعی** و **ارفاقی** و **پیمان بسته** می‌شود و اکثریت مالکین یک مجموعه آپارتمانی قراردادهایی منعقد می‌کنند که شخص ثالث (اقلیت مالکین) را نیز متعهد و ملزم می‌نمایند. حقوقدانان این امر را تحت عنوان «**تعهد به ضرر شخص ثالث**» مورد بررسی قرار می‌دهند. شخص ثالث در **قراردادهای پیمان** هم خود داستان مفصلی دارد که در این خان با آن‌ها دست و پنجه نرم کردیم.

خان پنجم

تجارب چهار خان گذشته، انسان را مجرب می‌نماید تا از خطرهای نترسد. حالا دوستان همراه ما همه‌ی جوانب یک قرارداد و ضروریات قبل و زمان انعقاد قرارداد را در نظر می‌گیرند، در مشخصات و عنوان قرارداد و اهلیت طرف معامله دقت می‌کنند، به وضوح به تعهدات آن‌ها می‌اندیشند، عوض و معوض قراردادی را به دقت و رانداز می‌کنند و تضامین حسن انجام کار و قوانین حاکم بر شکل و محتوای قرارداد را تعیین می‌نمایند، تا در دو خان ششم و هفتم به مشکل غیر قابل حلی برخورد نکنند. قراردادهای مدرن را می‌شناسند و آن‌ها را مانند درختان یک جنگل زیر نظر دارند. اگر همه‌ی این موارد را مد نظر داشته باشیم، همگی به سلامت از خان‌های بعدی خواهیم گذشت.

خان ششم

راحتی خان پنجم این گمان را برای ما به وجود آورد که کارها بر طبق روال و سامان است و کسی که تجربه‌ی گذشتن از پنج خان را داشته باشد، از این دو خان نیز به راحتی می‌گذرد؛ ولی حقیقت، چیز دیگری بود. در این خان بحث از قرارداد و نحوه‌ی اجرا و پایان آن است. حقوقدانان از اصطلاحات ثقیلی استفاده می‌کنند که ما نیز چاره‌ای جز تبعیت از آن نداریم. آن‌ها برای انجام دادن قرارداد اصطلاح «ایفاء عین تعهد» را به کار می‌برند؛ اگر یک طرف به قرارداد پایان دهد از واژه‌ی «فسخ» استفاده می‌کنند. حق فسخ ممکن است به موجب قانون یا قرارداد به یک یا دو طرف داده شده باشد. اگر دو طرف با رضایت به قرارداد پایان دهند، می‌گویند قرارداد را «اقاله» یا «تفاسخ» نموده‌اند، پایان خود به خودی قرارداد را «انفساخ» نام نهاده‌اند و «معضل» «تهاتر»، «تعذر» یا عدم امکان انجام قرارداد و «مرور زمان» را هم به آن اضافه می‌کنند. پس باید نه تنها در کنار مرشد و راهنما بود، بلکه همه‌ی تجهیزات حقوقی را آماده کرد تا مبادا در سنگلاخ‌های تلخ و صحراهای خشک این خان با مشکلات لاعلاج روبرو شویم. این خان مانند خان اول، دارای سختی‌های مخصوص به خود است.

تلخ‌ترین مرحله از این خان، موقعی است که انجام معامله با مشکلات عدیده روبرو می‌شود، تعذر (عذر برای عدم انجام کار) پیش می‌آید، سختی روی می‌دهد، مدتی قوه‌ی قاهره جلوی اجرای قرارداد را می‌گیرد، انجام قرارداد بی‌فایده یا مضر می‌گردد،

نویسندگان حقوقی از حاشیه‌ی این مرحله به آرامی گذر کرده‌اند، ولی دریایی خشک و صحرایی پر امواج سراب که کمتر کسانی به آسانی از آن گذشته‌اند در کنار این خان رخ نمایی می‌کند.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین حائل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها؟

خان هفتم

در این خان آثار تخلف از قرارداد و نقض آن آشکار می‌شود. کسی که قرارداد منعقد کرده و اجرا نمی‌کند، او را مجبور به اجرا می‌کنند، تضمین‌های وی را توقیف می‌کنند و بر می‌دارند، وجه التزام وی را به عنوان خسارت می‌گیرند، علاوه بر این او را محکوم به پرداخت خسارت می‌کنند. خسارت تأخیر تأدیه از وی می‌گیرند و خلاصه بیچاره‌اش می‌کنند. در این خان، همدی مشکلات ممکن رخ می‌دهند و چنان زندگی را بر طرفین قرارداد تلخ و ناگوار می‌سازد که فکرش را هم نمی‌کرده‌اند. اما این دلخوشی برای خواننده پیش می‌آید که هفت خان قرارداد را پشت سر گذاشته است.

توهم پایان حقوق و تعهدات طرفین، چندان دوام نمی‌آورد و دیری نمی‌پاید، چون هنوز اختلافات بر جای خویش باقی است و برای حل و فصل آن، باید به فکر چاره‌ای بود. برای همین امر، نویسندگان حاضر مجبور بوده‌اند شما را به خان هشتم دعوت کنند و طرفین قرارداد را در مقابل قاضی یا داور بنشانند.

خان هشتم

خان هشتم، سرزمینی دیگری غیر از قراردادهاست. اینجا روز حساب و کتاب است. خوشا به حال کسانی که دعوی را می‌شناسند و آن را مدیریت می‌کنند و با صلح و سازش، یا حداقل با میانجیگری اختلافات قراردادی و غیر قراردادی خود را رفع می‌کنند و بدا به حال کسانی که کارشان به دادگاه و داور می‌افتد. یعنی بخت با کسی است که حقوق و دعوی و مدیریت آن را می‌داند و شخص نا آگاه از این موازین از سایه‌ی اقبال به دور می‌افتد.

درخت دوستی نشان که کام دل به بار آرد نهال دشمنی بر کن که رنج بی‌شمار آرد

از خان داوری و دادگاه گذشتن، کار آسانی نیست و به اندازه‌ی بیش از هفت خان

قراردادی قبلی، وقت گیر و زمان بر و کشنده است و هیچ تضمینی هم در ایجاد عدالت و منصفیت بین طرفین نیست. قاضی یا داور بر اساس ادله و ظاهر با شمشیر حکم قضایی یا رأی دآوری، حق و تکلیف را تعیین می کنند. در بخش اول جلد دوم همین کتاب، به اندازه کافی، از این باب سخن خواهیم گفت.

یکی از علمای بزرگ حقوق، داور اختلاف وکیل دیگری و شرکت بزرگی شده بود، استاد همه چیز را برای داور توضیح داد و داور، صد در صد حرف های استاد را بدون کوچکترین تردیدی قبول داشت، در انتها، وقتی داور رأی خود را صادر کرد، فقط یک چهارم دعاوی را پذیرفته بود و سه چهارم آن که مبالغ کلانی می شد را مردود شمرده بود، به استاد عرض کردم مگر او علم به صحت گفتار شما نداشت؟ جواب فرمودند: بله، ولی داور و قاضی به علم خود عمل نمی کند، آن ها فرزندان دلیل و تابعان خلف مستندات هستند. این رأی هر چند خلاف حقیقت است، ولی واقعیت را بیان می کند و مقبول جامعه، دادگاه ها و مردم است و اجرای آن را قانونی می دانند، هر چند به مذاق طرفین دعوی خوش نیاید.

در ابتدای کتاب، درخواست می شد که همه چیز را به زبان ساده و بدون اصطلاحات حقوقی بنویسیم، خواستیم، ولی نشد. اگر اصطلاحات کوتاه و موجز حقوقی را به کار نمی بردیم، هر بار برای هر کلمه یا اصطلاح باید چندین صفحه توضیح می دادیم که باعث طولانی شدن کتاب، تا حجم دو برابر و بهره وری کمتر از آن می شد. برای همین امر، سعی کردیم اصطلاحات حقوقی را در پاورقی و در فهرست واژه های نامأنوس بیاوریم تا خواندن کتاب برای استفاده کنندگان آسان تر شود.

در هفت خان زندگی، ماهیت زندگی هر چه می خواهد باشد، عقد ایقاع واقعیهی حقوقی یا واقعیهی طبیعی، دنیا چه مجازی باشد و چه غیر مجازی، کسی موفق است که به حقیقت دست یافته و عمل صالح انجام دهد و جهان را برای همه ی انسان ها بهشت سازد. سلطه ی کوته فکران، انسانیت را به حسیض ذلت می برد و با ایجاد جهنم، وعده ی رسیدن به بهشت می دهد. خدایا آن را که عقل دادی چه ندادی و آن را که عقل ندادی چه دادی؟

محمدرضا داراب پور

مهراب داراب پور

نازنینا در تعهد بر «هزینه - سود» باش!
در طریق عقد مستی، همچو تار و پود باش!
تیر مژگان چند بر قلب من مغبون زنی؟
نیست اکراهی، ولی در اضطرابم، زود باش!!
«راضی»

سرآغاز

این کتاب از حقوق و تعهدات قراردادی طرفین و افراد مرتبط با آن‌ها بحث می‌کند و نظر قانون‌گذار و نحوه‌ی عملکرد دادگاه‌ها را توضیح می‌دهد تا خواننده با اشراف بر مطالب آن، بتواند قراردادهای قانون‌پسند و مقبول را منعقد و اجرا کند و هرگاه قرارداد نقض شود، آثار نقض آن را بداند و در صدد حل و فصل اختلافات، قبل از مراجعه به مراجع قانونی و قضایی، برآید.

قانون باید برای آرامش و آسایش مردم باشد، نه مردم برای پذیرش و آرایش قانون. قوانینی که از گزاره‌های قدیمی، کشف می‌شوند و مردم ملزم به تبعیت از آن می‌گردند، هر چند در گذشته ارزشمند و مطلوب بوده‌اند، ولی اکنون دیگر جایگاه پیشین را ندارند. قوانینی که بدون توجه به عقلانیت و کارایی اقتصادی، ارزیابی تخصصی کارایی آن‌ها، بدون اهمیت به هزینه‌ی فرصت‌ها و تلاش برای اتخاذ تصمیم بهینه در تخصیص منابع و حساسگری، بدون توجه به تحلیل هزینه-فایده و در یک کلمه، بدون «عقل اقتصادی» وضع یا اجرا شوند، بی‌تردید، چنانچه مضر و خانمان‌سوز به شمار نیایند، فاقد ارزش کافی هستند. چنانچه آثار و پیامدهای خارجی و جانبی قانون، در فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی مردم، سنجیده نشود و هزینه‌های گزاف برای کارهای بی‌هوده در سیستم قضایی صرف شود، بدون این که فایده‌ی آن سنجیده شود، منجر به عقب‌گرد و واپسگرایی حقوقی کشور می‌شود. البته، حقوق نمی‌تواند اقتصادی محض باشد و مانند خود اقتصاد، باید علاوه بر کارایی و رعایت عدالت توزیعی، نیم‌نگاهی هم بر عدالت اصلاحی داشته باشد؛ یعنی هم به مطلوبیت محوری نظر داشته باشد و هم به بازار

محوری. حمایت از اقشار ضعیف جامعه ایجاب می‌کند، در کنار عدالت توزیعی به عدالت اصلاحی نیز توجه شود. حقوقدان باید علاوه بر گرایش به راه حل بازار و کارآیی، برای حمایت از برخی از گروه‌های مردم، شیوه‌های عادلانه را نادیده نگیرد. این امر موجب می‌شود که هم کارآمدی اقتصادی تقویت گردد و هم عدالت توزیعی، روند منطقی و معقول خود را در پیش گیرد.

آنچه اکنون در دنیای حقوق ایران می‌گذرد، کشف قوانین قدیمی و تعیین تکلیف مردم برای اجرای قانون است و عملاً کاری به حل و فصل دشواری‌های زندگی واقعی مردم ندارد. در اینجا همگرایی سنت‌های اقتصادی و حقوقی، فاقد مفهوم است و مطالعه‌ی رویکردهای اقتصادی و استفاده‌ی بهینه از آن‌ها جایگاهی ندارد. البته، گاهی اجبارهای سیاسی و اجتماعی بر سر راه دست اندرکاران امور سیاسی باعث شده است که توجه مختصری به برخی از اندیشه‌های اقتصادی صورت پذیرد.

در این کتاب، نویسندگان حاضر، فقط در مواقع ضروری می‌توانند از ناکارآمدی قواعد، سخن بگویند و چون هدف، بیان مواضع قانونی در مجامع حقوقی و دادگاه‌ها برای رشته‌های علمی دیگر می‌باشد، باید، بدون اعتراض، به توضیح و تفسیر قوانین ناسازگار با تئوری‌های هزینه-فایده و ناکارآمد، بپردازند.

هرگاه قانون نامطلوب و کم ارزش یکصد سال پیش، که برگرفته شده از متفکران و بزرگان هفتصد سال قبل است، در هاله‌ای از نور، به صورت قانونی آسمانی تلقی شود، احساس نیاز به تفکر در سایه‌ی تئوری‌ها و اقوال حسنه، از قلب واضعین قوانین موضوعه رخت بر می‌بندد، راه پیشرفت حقوقدانان و محققین مسدود می‌شود و واپسگرایی را مقبول و پسندیده جلوه می‌دهد. همین پیش فرض نادرست در خوب و مفید و کارآرا بودن قانون مندرس و پوسیده‌ی مدنی، نشان از ترس در تشکیک در آن است که راه پیشرفت حقوقی را سد می‌کند. اگر این پیش فرض نادرست الگو قرار گیرد، باب اجتهاد و تلاش و تئوری‌سازی و پیشرفت، مسدود می‌شود و میوه‌ی تلخ تنبلی فکری و عقب گرد علمی به بار خواهد آورد. احساس نادرست این که از نظر حقوقی، با توجه به اتصال به منبع قانون‌گذاری، به قله‌های یقین و قانون مطلوب رسیده‌ایم، تصوّر عدم وجود ابهام را ایجاد می‌کند و باعث خودشیفتگی و در نهایت، واپسگرایی و رکود علمی و زبان‌های کلان اقتصادی و سرافکنندگی در جهان می‌شود.

هرگاه بنای حقوقدانان یا تلاش‌گران فقهی این باشد که قانون را از متون قدیمی

کشف کنند و خود، قادر به تفکر و تعمق در وضع قانون نباشند، هیچ تئوری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تصمیم قانون‌گذار، تأثیری نخواهد داشت. حقوقدانان برای خود از تئوری‌های اقتصادی و قانونگذاری مدرن بحث می‌کنند و قانون‌گذار نیز بدون هیچ گونه توجهی به آن‌ها، قانون خود را وضع می‌کند. این وضع اسف‌بار، آثار بسیار مخربی را برای کشور در بر خواهد داشت.

ملتی موفق و سرافراز خواهد شد که نه تنها صاحب‌نظران خود را در بیان ایده‌ها محدود نکند، بلکه از آن‌ها مصرّانه بخواهد تا نظرات قدیمی حاکم را، که بعضاً خانمان‌سوز هستند و ملت را در چشم جهانیان خوار و حقیر می‌کنند و موجب تنفیر مردم دنیا می‌شوند، به چالش بکشند و بدون خوف، تئوری‌های جدید خود را به روشنی و وضوح ارائه نمایند. البته صاحب‌نظران، ایده‌های خود را، حتی در مواقع خوف جانی و مالی، ابراز می‌دارند، اما این اقدام تحت پوشش خواهد بود. به‌طور عادی، بیان ایده‌ها به صورت غیر صریح، توجه خاص محققان و پژوهشگران دیگر را جلب نمی‌کند و ایده و فکر حیات بخش آن‌ها در گمای (اغما) حاصله از فشار تنگ نظران حاکم باقی می‌ماند و به علت عدم فراگیری، باعث نجات جامعه از واپسگرایی نخواهد شد. ملتی که دانشمندانش، کتاب و مقاله را به کنایه و از زبان این و آن و با توریه می‌نویسند و خودشان کتاب نمی‌خوانند، باید برای یافتن یک زندگی عادی همه‌ی زجرهای تاریخ را باز تحمّل نمایند. نظریه‌های این بزرگان علمی و استادان دانشگاه‌ها، هر چند مخالف نظر اکثریت قریب به اتفاق دیگران باشد، باید محترم شمرده شود. چه بسا این ایده‌های مخالف در مواقع بحرانی، جامعه را از حسیّض سقوط و ذلّت نجات داده و به قله‌ی رفیع موفقیت هدایت نماید. آن روز نزدیک خواهد بود، کمی صبر و حوصله و اندکی تحمّل و پایداری می‌خواهد!

به هر حال، قانون، قانون است. پوسیدگی و اندراس و مضرّ بودن، باعث عدم اجرای آن قانون نمی‌شود. قانونی که اساس کشف و وضع و مبنای آن، رفع تکلیف باشد، دردی را از جامعه و مردم و کشور دوا نمی‌کند، ولی باز امور بر پایه‌ی همان اصول و مبانی نامطلوب به گردش غیر مفید در می‌آید. در اینجا نیز نویسندگان، خود را ملزم به همان مبانی و اصول دانسته و بر اساس آن به تجزیه و تحلیل مسائل حقوقی پرداخته‌اند. اصرار بر ایفای عین تعهد، ثمن معین، تصوّر غررهای بی‌پایه، بحث‌های فراوان در تعلیق در

انشاء و منشاء و اثر اثر انشاء از این گونه مباحث است که البته ثمرات قانونی دارند، ولی مطلوب طبع جامعه‌ی اقتصادی و تجاری و مدرن نمی‌باشند. مردم، قانون عملی، مفید، کارساز و کارآمد و آرامش‌بخش می‌خواهند و از قیود خود ساخته و دست و پاگیر و نامطلوب قدیمی به تنگ آمده‌اند. اما نویسندگان حاضر، چاره‌ای ندارند تا قانون را بر اساس آنچه هست، تجزیه و تحلیل کنند. اما فیلسوفان، محققان و دانشمندان می‌توانند بر اساس آنچه باید باشد، مسایل را تجزیه و تحلیل نمایند. قانون مندرس و قدیمی که ساخته و پرداخته‌ی بزرگان دوست داشتنی قدیم است، راه عشق و احساس تعلق را نمی‌گشاید، پیشرفت و خود شکوفایی را به ارمغان نمی‌آورد، لذت فرد و جامعه و مردم کشور را افزایش نمی‌دهد، آزادی و خود مختاری را هدیه نمی‌کند و بقاء و زنده ماندن در کنار جوامعی که با سرعت فراوان در حرکتند را تضمین نمی‌نماید. اثر قانون در جامعه‌ی بشری را باید لحظه به لحظه رصد کرد و هرگاه یقین حاصل شد که قانون حاضر به کارایی اقتصادی و شکوفایی عدالت انسانی لطمه می‌زند، آن را تغییر داد تا نیازهای جهانی بشریت را برآورده سازد. «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى»^۱ کسی که در بهشت زندگی نکند، هرگز به بهشت نخواهد رفت. خریدن بدبختی، برای رسیدن به خوشبختی، سفاهت محض است که هیچ عاقلی آن را بر نمی‌تابد. باید بهشت را ایجاد کرد و در آن بود، نه این که انتظار واهی رفتن به آن را کشید.

ناگفته نماند که هر گروهی از جامعه، به زبان مخصوص خود صحبت می‌کند. اگر زبان شناخته شده بین حقوقدانان در اینجا رعایت نشود، مفاهیم تغییر می‌کنند و هر کسی برداشت خود را از مطالب ارائه شده خواهد داد که با برداشت دیگری متفاوت است. به همین علت، نویسندگان کتاب حاضر، مجبور بوده‌اند که با مهندسان و سایر متخصصان نیز به زبان حقوقی سخن گویند و برای جبران مافات، واژه نامه‌ای بر کتاب بیفزایند.

این کتاب از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول، مرکب از پنج فصل است. در فصل اول از قرارداد و انواع آن بحث خواهد شد. در فصل دوم، شرایط اساسی صحت

معاملات بررسی می‌شود. در فصل سوم از شروط مرتبط با قراردادهای و آثار آن بحث می‌شود. آثار قراردادهای تشکیل شده بین طرفین نیز در فصل چهارم مورد مطالعه قرار می‌گیرد. فصل پنجم به نحوه‌ی عملی انعقاد قرارداد و شکل ظاهری آن اختصاص دارد. خواننده با مطالعه‌ی این پنج فصل، قادر خواهد بود، نحوه‌ی انعقاد قراردادهای و انواع مختلف آن را فرا گیرد و عملکرد آن‌ها را بشناسد و صحیح را از باطل تشخیص دهد و نافذ و غیرنافذ آن را تفکیک کند و در نتیجه، حقوق و تعهدات طرفین قرارداد را بشناسد و در حفاظت از آن بکوشد.

بخش دوم کتاب، به بررسی آثار اجرا یا عدم اجرای قرارداد می‌پردازد که از سه فصل تشکیل می‌شود. در فصل اول این بخش، نحوه‌ی پایان تعهدات قراردادی بررسی می‌شود. در فصل دوم، عواقب و آثار نقض قرارداد تجزیه و تحلیل می‌شود و در می‌یابیم که اگر قرارداد اجرا نشود، ناقض قرارداد با مسؤولیت‌هایی مواجه خواهد شد. در طلیعه‌ی فصل آخر، که راجع به حل و فصل اختلافات می‌باشد، از شناسایی ادعا و مدیریت آن سخن خواهیم گفت و شیوه‌ها و مراجع مختلف حل اختلاف و نحوه‌ی رسیدگی به حل اختلاف، توسط قضا و داوران را می‌توان در این فصل پایانی ملاحظه نمود.

سپاس فراوان، شایسته‌ی همکاران عزیز است که در تهیه، تایپ، تنظیم و ویراستاری حقوقی-مهندسی و ادبی ما را یاری کرده‌اند، به ویژه سرکار خانم سامره بادکوبه‌هزوه-کارشناس ارشد حقوق و وکیل پایه یک دادگستری، آقایان محمّد داراب‌پور و مرتضی بهادران شیروان-کارشناسان ارشد حقوق، سرکار خانم فاطمه آیبی‌فر-کارشناس ارشد حقوق، وکیل پایه یک دادگستری و عضو کمیسیون انتشارات کانون وکلای مرکز، و همچنین، سرکار خانم مهری عسگری که با صبوری کامل به تایپ کتاب همت گماردند و ده‌ها بار اصلاحات آن را وارد نمودند.

مهراب داراب‌پور

محمّد رضا داراب‌پور

تابستان ۱۳۹۴